

در این فاجعه هم عوامل «طبیعی» دخیلند و هم «غیر طبیعی»!

سیل می توانست کمتر ویرانگر باشد، اگر...



آذر فخری

سه‌م دستبردهای انسانی؛ ۷۰ درصد!

هنوز می‌توانیم و باید در مورد سیل امسال حرف بزنیم، بحث کنیم، دلیل بتراشیم-درست مثل کوه و جنگل تراشی بعضی‌ها- اما چرا باید هنوز و حتی تسامدتها درباره سیل حرف بزنیم؟ به چند دلیل مهم-اول این که دیگر از غافلگیر شدن مسئولان و خسارت دادن در مورد غافلگیری ایشان، خسته و کلافه شده‌ایم. دوم، باید به این باور برسیم که کشور ما از دیرباز سرزمین خشکی بوده با دوره‌های بارشی شدید و سیلاب‌هایی از این دست؛ که اگر چنین نبود، آن همه پیش‌بینی در سازه‌های پل و سد و سیل و کانال‌های باستانی اتفاق نمی‌افتاد.

یک نگاه ساده به عملکرد آن سازه‌ها در سیل اخیر و مقاومت اعجاب‌انگیزشان باید این نکته را برای ما روشن کند که هم کشورمان سیل خیز بوده و هست و خواهد بود و هم آن قدیمی‌ها چه خوب این مسئله را درک کرده و برایش چاره‌اندیشی و نه پروژه‌سازی و بودجه‌گیری و پیمان‌کاری کرده بودند.

اگر آن چه در پی می‌آید به کسی بر بخورد؛ چه در حد یک تلنگر و چه به درناکی یک مشت؛ بسی باعث خرسندی خواهد بود؛ زیرا الان وقت به خود آمدن و درست دیدن و احساس مسئولیت کردن است؛ حتی به بهای از دست دادن مسئولیت!

اول از شیراز شروع می‌کنیم باین سخن طهمورث یوسفی، مدیر مرکز زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی جنوب کشور که گفته است: «گرچه این سیل دلایل طبیعی هم داشته اما دخالت بی‌رویه انسان در طبیعت بیش از ۷۰ درصد در بروز سیل ویرانگر شیراز دخیل بوده است.»

بسیار بدیهی است که یک بلای طبیعی می‌تواند علت‌های طبیعی هم داشته باشد؛ اما چرا با این شدت و چرا چنین ناغافل؟ و چرا در مناطق دیگری که می‌شد حداقل جان آدم‌ها را نجات داد، هم چنان شاهد بی‌توجهی و ادامه روند غافلگیری بودیم. این البته به آن معنا نیست که مسئولان یا هر نهاد امدادسان دیگری عملاً کاری نمی‌کنند، بلکه دقیقاً به این معناست که تقریباً یا کاری را که باید بکنند بلد نیستند و نمی‌دانند چه کار کنند یا حواس‌شان جای دیگری است و به گفته اغلب سیل‌زده‌ها مسئولان محترم از ابعاد فاجعه بار و وحشتناک سیل و پیامدهای آن خبر ندارند. پیامدهایی که تا سال‌های سال مردم را درگیر دوباره‌سازی آن‌چه از دست داده‌اند خواهد کرد و می‌دانیم که هنوز فاجعه زلزله بم و پس از آن زلزله کرمانشاه و سرپل‌ذهاب روی دست‌مان مانده است و تعدادی از آن‌هایی را هم که زلزله پارسال با خود نبرد، سیل امسال برد!

یوسفی معتقد است مهم‌ترین دلیل شدید بودن آسیب‌های سیل، سوءمدیریت و عدم توجه به اصول مدیریت بحران است: «متأسفانه در سال‌های اخیر افراد

سودجو و منفعت‌طلب در حريم رودخانه‌ها ساخت و ساز کرده‌اند در حالی که ادارات منابع طبیعی و دیگر سازمان‌های متولی نباید اجازه می‌دادند.» بسیاری از کارشناسان معتقدند یکی از علل اصلی سیلاب شیراز و وسعت ابعاد فاجعه‌بار آن، تغییر مسیر رودخانه به جاده و خیابان بود. فاجعه دروازه قرآن شیراز دقیقاً به این علت روی داد که مسیل باستانی این ناحیه را که حاصل دوراندیشی و تجربه نسل‌های گذشته بود، تبدیل کردند به جاده. چرا مهندسان و پروژه‌کاران - یا پروژه‌سازان- مادرزمینه‌ساخت‌وساز جاده‌ها و پل‌ها و مسیرهای خط‌آهن یا مسدود کردن کامل این آبگذرها یک منطقه باران‌نیارید به معنای آن نیست که دیگر نخواهد بارید؛ مثلاً همین سیل به رودخانه قم هم رسید، در حالی که چندین سال بود در این رودخانه سیلی نیامده بود.

یوسفی چنین ادامه می‌دهد: «عوامل بروز سیل شیراز به دو بخش طبیعی و عوامل موثر ناشی از دخالت بی‌رویه انسان تقسیم‌بندی شده که سه‌م عوامل انسانی بیش از ۷۰ درصد بوده است. پوشش گیاهی کم از دیگر عوامل طبیعی است که موجب تشدید رواناب سطحی شد. تغییر کاربری اراضی یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد تشدید رواناب است، به‌گونه‌ای که در دامنه‌های شرقی و غربی پیرامون مسیل دروازه قرآن، ساخت و سازهای تجاری، تفریحی و مسکونی انجام شده و رواناب‌های بالادست این مناطق هم‌راه با رواناب‌های حاصل از پوشش‌های

مدیر مرکز زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی جنوب کشور: گرچه این سیل دلایل طبیعی هم داشته، اما دخالت بی‌رویه انسان در بروز سیل ویرانگر شیراز دخیل بوده است

نفوذناپذیر در مناطق ساخت‌وساز شده در مسیرهای جدید و یکپارچه شده به دانه خروچی دروازه قرآن هجوم آورده و سبب افزایش حجم سیلاب سرریز شده در دروازه قرآن شد. دستکاری در مسیر آبره‌ها و یا مسدود کردن کامل این آبگذرها که در زیر حوضه دروازه قرآن و در ساخت سازه‌های پیرامون مسیل دروازه قرآن، به‌وفور قابل‌رویت است. هم‌چنین احداث پل‌های ارتباطی روی مسیل‌ها و تنگ کردن مسیر گذر آب بدون در نظر گرفتن حداکثر دبی محتمل از جمله پل‌های ورودی مسیل سعدی و غالب پل‌های ارتباطی رودخانه خشک، از جمله مواردی است که در سرریز رواناب‌ها و ایجاد خسارت نقش داشته است.

آیا باید تغییر کنیم یا به کاسی ادامه بدهیم؟!

گیتی خزاعی، پژوهشگر جامعه‌شناسی تغییر اقلیم در پاسخ این پرسش چنین می‌گوید: «سیل اخیر در ایران، علاوه بر همه مصائب، رنج‌ها و دردهایش، هشدار دهنده ظهور یک قشر جدید هم هست: «کاسبان سیل»! که همان «سدستانان»ی هستند که طرفداران بی‌چون و چرا در

کشورند و حسرت می‌خورند که چرا در این سال‌ها سدهای بیشتری نساختند و با استناد به حجم عظیم آب رهاشده در شهرها و روستاهای مورد هجوم سیل و با اشاره به کارکرد اخیر برخی سدهای کشور در نگهداری از بخشی از این ورودی عظیم آب، و کمک این سدها به محدود کردن ورود آب به شهرها و روستاها، زمزمه ساختن سدهای جدید، کسب اعتبارات جدید برای سدسازی، دریافت مصوبات جدید برای سدسازی، دریافت اعتبار برای اتمام سدهای نیمه‌تمام کشور را سر داده‌اند!» خزاعی معتقد است تکنیک سدسازی یکی از راه‌های حق‌آبه طبیعت به‌واسطه احداث سد هم اتهام کمی نیست که با نادیده گرفتنش بشود به سدسازی‌های بیشتر در کشوری که سال‌هاست سدها حق‌آبه طبیعت را بی‌محابه بلعیده و تبخیر کرده‌اند، تن داد. رویکرد غیرسیاسی در سدسازی یکی از مهم‌ترین عواملی است که در سیاست‌های جدید سدسازی در کشور باید مورد توجه قرار بگیرد.

این جامعه‌شناس به گروه دوم کاسبان سیل اخیر، که «اقلیم‌ستیزان» هستند نیز اشاره می‌کند که «انکارکنندگان تغییر اقلیم» هستند: «اینان با اشاره به حجم بارندگی‌های اخیر، زمزمه ورود به دوره ترسالی را سر داده‌اند و با نادیده گرفتن اطلاع‌رسانی‌ها و گزارش‌های علمی متعدد در خصوص گرم شدن زمین به‌ویژه در خاورمیانه و ایران، گویا بنا دارند هم‌چنان راه را برای تداوم سیاست‌های ویرانگر غیر منطبق با تغییر اقلیم باز بگذارند.»

خزاعی به گروه سوم کاسبان سیل، که «سیل‌پیمایان» هستند اشاره می‌کند: «آن‌ها مدیران قلابی و متظاهری هستند که سیل و مصیبت و رنج‌دیدگی مردم را به ابزاری برای پنهان کردن مدیریت ناکارآمد خود و کاستی‌های حکمرانی آب و منابع طبیعی در کشور تبدیل کرده‌اند و با طرفداری از مدیریت فشل، مانعی جدی برای شکل‌گیری مدیریت خردمندانه و عقلانی در کشورند و با نامیاشگری‌های مضحک، رفتارهای شعاری و غیرعقلانی را به جای رفتارهای اصیل مدیریتی جا می‌زنند تا کم‌توانی مدیریتی خود و کم‌تایی کشور در مقابل بحران‌ها را پوشانی کنند.»

«سیل‌پیمایان» مدیران قلابی و متظاهری هستند که سیل و مصیبت و رنج‌دیدگی مردم را به ابزاری برای پنهان کردن مدیریت ناکارآمد خود و کاستی‌های حکمرانی آب و منابع طبیعی در کشور تبدیل کرده‌اند و با طرفداری از مدیریت فشل، مانعی جدی برای شکل‌گیری مدیریتی خردمندانه و عقلانی در کشورند

دیگری. هم‌چنان که خزاعی بر این مسئله تأکید دارد: «برای عبور از مرحله ناکارآمدی و کم‌کارآمدی و ارتقای کیفیت حکمرانی در کشور، هیچ راه و چاره‌ای جز روی آوردن به مدیریت عقلانی و هوشمند و جایگزینی «مدیریت مخاطره‌محور» به جای «مدیریت بحران‌محور» در مدیریت رخداد‌های طبیعی نیست. تنها راه تقویت مدیریت در کشور تمرکز بر «ارتقای تاب‌آوری جامعه» است و جایگزینی رویکرد مدیریتی «پیشگیری و آمادگی» به جای رویکرد مدیریتی «بحران خسارت.»

تغییر چقدر طول می‌کشد؟

معمولاً بیشتر از زمانی که فکر می‌کنیم طول می‌کشد! چرا که سیل‌های اخیر، در نوع خود شدت غیر طبیعی بودند و نشان از دستبرد انسان به ساختار طبیعی محیط زیست، بنا بر این اکنون زمان آن رسیده است که به جای تغییر طبیعت، خودمان را تغییر دهیم و البته که این تغییر به دلیل پیامدهایی چون چشم‌پوشی از منافع آنی، بسیار سخت و زمان‌بر خواهد بود. به گفته ناصر کریمی، اقلیم‌شناس: «هیچ رخداد منفردی نمی‌تواند نشانه تغییر اقلیم باشد، اما تکرار وقوع رخداد‌های غیرنرمال می‌تواند فرض تغییر اقلیم را تقویت کند و مدعیان تغییر اقلیم در ایران می‌توانند این‌گونه رخداد‌های غیر نرمال را مبنای صحت فرض خود قرار دهند. اگر چه هنوز باید محتاطانه در این باره صحبت کرد. قطعاً بخش قابل‌توجهی از ویرانگری سیل ناشی از مولفه انسانی است. مثل تخریب پوشش گیاهی و عدم رعایت حریم رودخانه‌ها. سیل می‌توانست کمتر ویرانگر باشد اگر اقتضائات معمول اکولوژیک در مدیریت محیطی رعایت شده بود.

و بلوغ فکری رسیده‌اند، همانطور که از دواج خوب می‌تواند دروازه‌های رشد و تحول را به روی فرد بگشاید، به همان نسبت نیز از دواج بد می‌تواند اثر مخربی بر سلامت جسمی و روانی افراد بگذارد. از این رو «طلاق» به عنوان یکی از پیچیده‌ترین مشکل‌های زندگی زناشویی در بسیاری از موقعیت‌ها همچون زمانی که زن یا شوهری معنادار، بی‌کار یا بزه‌کار و نااهل از آب در بیاید یا تفاهم و جهان‌بینی مشترکی بین‌شان وجود نداشته باشد، پذیرفته شده است. روابط انسانی معقولی داریم و لزوماً هیچ یک از طرفین طلاق بد نیستند؛ اما متأسفانه در ایران، این پدیده نوظهور، نمایش فخر فروشی نوک‌سیسه‌هایی است که با برگزاری جشن طلاق آنچنانی قصد عرض اندام و شفاف دارند؛ بنابراین در زمره یکی از تلخ‌ترین و تاسف‌آورترین جشن‌های ایرانی‌هاست که در حال رشد و فزونی است. باتوجه به مطالب مطرح شده نکته واضح اینجاست اگر مسئولان فرهنگی کشور با بهره‌مندی از علم و دانش متخصصین روانشناس در جهت افزایش آگاهی خانواده‌ها و برخورد با این موضوع اقدامات جدی اتخاذ نکنند، پیامدهای منفی این جشن به سرعت در میان اقشار جامعه رواج می‌یابد که به خودی خود بسیار دردآور است.

از گوشه و کنار

نیاز فوری مناطق سیل‌زده خوزستان به خدمات درمانی



دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در اطلاعیه‌ای از نیاز فوری مناطق سیل‌زده به خدمات درمانی و لزوم همکاری متخصصان داوطلب در این مناطق خبر داد. در اطلاعیه فوری دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز آمده است:

با توجه به نیاز از دوگاه‌های اسکان سیل‌زدگان در مناطقی از استان به خدمات درمانی تخصصی، از کادر محترم پرستاری، پزشکان متخصص داخلی، اطفال و زنان داوطلب درخواست می‌گردد جهت شرکت در برنامه‌های درمانی سیل‌زدگان با شماره تلفن‌های ۳۳۷۳۱۱۱۸ و ۳۳۱۱۴۵۰۰ معاونت درمانی دانشگاه تماس حاصل نمایند و مشخصات و شماره تماس خود را اعلام تا بر نامه‌ریزی لازم برای حضور آن‌ها صورت پذیرد.

کودکان مناطق سیل‌زده با مشکل خاصی روبه‌رو نیستند

سرپرست دفتر امور کودکان و نوجوانان بهزیستی کشور با بیان این که در حال حاضر کودکان دو مرکز شبه خانواده در پلدختر به دنبال سیل در خرم‌آباد جاها شده‌اند، افزود: کودکان تحت پوشش بهزیستی مناطق سیل‌زده با مشکل خاصی روبه‌رو نیستند و «کمک هزینه معیشت» که به میزان سه برابر مستمری معمول برای مددجویان سازمان بهزیستی است، به کودکان کم‌نزد خانواده‌های جایگزین هستند، نیز پرداخت می‌شود. منظر شمیر با بیان این که تا این لحظه هیچ کودکی در مناطق سیل‌زده به دنبال فوت والدینش، وی سرپرست نشده است، اظهار کرد: تنها دو فرزند یک مادر که به دنبال شرایط نامساعد جسمی در بیمارستان بستری بوده و کسی برای سرپرستی فرزندان وی در دسترس نبود، به شکل موقت به بهزیستی واگذار شدند.

وی با تأکید بر این که کلیه مهدهای کودک استان‌های سیل‌زده و به‌ویژه استان لرستان که دچار آب گرفتگی نشده‌اند، از روز گذشته آماده پذیرش کودکان بودند، تصریح کرد: با این وجود مهدهای آسیب‌دیده این مناطق تا زمان تعمیر و آماده شدن مجدد آن‌ها تعطیل خواهند بود.

سه‌م مردم در پرداخت هزینه‌های درمانی چقدر است؟



معاون کل وزارت بهداشت ضمن تشریح ابعاد پوشش همگانی سلامت، درباره وضعیت پرداختی مردم در هزینه‌های سلامت و هم‌چنین هزینه‌های فقرزای سلامت توضیح داد.

ایرج حریری گفت: پوشش همگانی سلامت و تأثیر مراقبت‌های بهداشتی اولیه بر آن، موضوع مورد تأکید سازمان جهانی بهداشت در سال جاری است. وی افزود: پوشش همگانی سلامت به این معناست که همه مردم بدون ملاحظاتی قومی، اقتصادی و جغرافیایی بتوانند همه خدمات سلامت مورد نیاز اعم از پیشگیری، ارتقا، درمانی، توانبخشی و حتی طب تسکینی را هر موقع و هر جایی که نیاز دارند با کیفیت مناسب و بدون سختی مالی دریافت کنند. معاون کل وزارت بهداشت با اشاره به این که دو موضوع مهم هزینه‌های سلامت و کیفیت خدماتی که ارائه می‌شود همواره مورد بحث و مذاقه بوده است، گفت: امسال سازمان جهانی بهداشت، پوشش همگانی سلامت و تأثیر مراقبت‌های بهداشتی اولیه بر آن مورد تأکید قرار داده است. حریری خاطر نشان کرد: پوشش همگانی سلامت سه بعد دارد که بعد اول آن خدمات سلامت تحت پوشش است. بعد دوم تعداد افراد تحت پوشش بیمه و بعد سوم میزان سختی مالی هزینه‌های کمرشکن فقرزای سلامت هستند که خوشبختانه در بعد اول بیش از ۹۹ درصد خدماتی که در دنیا ارائه می‌شوند در کشور ما هم ارائه شده است. وی تصریح کرد: در حال حاضر ۹۳ درصد مردم بیمه هستند که نسبت به ۸۳٫۶ درصد قبلی رقم خوبی است. اما هنوز ۷ درصد مردم بیمه نیستند.